**دلایل و ضرورتهای شکل گیری سازمان همکاری شانگهای**

**روند شکل گیری سازمان همکاری شانگهای**

**اهداف و حوزه­های فعالیت و همکاری سازمان شانگهای**

**جغرافیای سازمان شانگهای**

**ویژگی ها و اهداف کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای**

**ویژگی­ها و اهداف کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای**

**1- چین**

**2- روسیه**

**اهداف روسیه در سازمان شانگهای:**

**3- قزاقستان**

**4-قرقیزستان**

**5- تاجیکستان**

**6- ازبکستان**

**کشورهای ناظر سازمان همکاری شانگهای:**

**1- ایران**

**2- هندوستان**

**3- پاکستان**

**4- مغولستان**

**چالشها و مشکلات سازمان همکاری شانگهای**

**منابع**

**دلایل و ضرورتهای شکل گیری سازمان همکاری شانگهای**

**اجتماع و همکاری چند کشور در قالب یک تشکل منطقه­ای مستلزم داشتن زمینه ها و محورهای مشترک برای تعامل و همکاری سازنده است. طبیعتا سازمان شانگهای نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و پر واضح است که کشورهای عضو این اتحادیه بنا بر نیازها، هدف­ها و دغدغه های مشترکی که دارند، گرد هم جمع شده و فعالیت­هایی را در پیش گرفته اند.(یزدان پناه،1389، ص125)**

**همگرایی منطقه­ای؛ اولین چارچوب تئوریک و دلیل استراتژیک تشکیل این سازمان همگرایی منطقه­ای است که در جهت پیاده کردن سلسله سیاست های تدوین شده دست به چنین کاری زدند تا با حذف محدودیت های تجاری و موانع و تبعیضات و فواصل اقتصادی موجود و به حداقل رساندن اختلافات، اتحاد منطقه ای را به حداکثر ممکن برسانند.**

**دیگر دلایل تشکیل سازمان همکاری شانگهای عبارتند از:**

**- نگرانی کشورهای عضو از تشدید اختلافات مرزی و تحرکات نظامی نسبت به یکدیگر.**

**- نگرانی از تشدید افراط گرایی و تروریسم در منطقه ی آسیای مرکزی.**

**- نگرانی از کوشش های یکجانبه گرایانه برای حل و فصل مسائل بین المللی.**

**- مبارزه با تولید و ترانزیت مواد مخدر( پیشنهاد روسیه). (یزدان پناه، 1389 ، ص 108 )**

**- منافع مشترک کشورهای عضو از قبیل تأکید بر توسعه اقتصادی از طریق تأمین امنیت و ثبات سیاسی در داخل و حفظ آرامش منطقه ای.**

**- نورم ها و هنجارهای مشترک از جمله ضعیف بودن نسبی کشورهای عضو ( در مورد روسیه و چین در برخی ابعاد).**

**- وجود توانایی ها، ظرفیتها و منابع غنی کشورهای عضو.**

**- تأکید بر کسب هویت و اعتبار بین المللی (درسطوح مختلف). (سازمان همکاری شانگهای،1388، ص 6)**

**نیازهای امنیتی، یکی از دلایل اصلی شکل گیری سازمان همکاری شانگهای می باشد. بدون این مسأله این سازمان عامل اصلی اتحاد خود را از دست خواهد داد.**

**حرکت به سوی همگرایی در منطقه آسیای مرکزی که در واقع از خاکستر اتحاد جماهیر شوروی برخاست، با پشت سر گذاردن مراحلی گوناگون، از ابتدای قرن 21 وارد مرحله جدیدی شد.جمهوری های سابق شوروی که در طول نیم قرن گذشته نوعی تجربه تلخ و ناموفق از به هم پیوستگی اجباری و مبتنی بر نظم آهنین را پشت سر گذارده بودند، با توجه به واقعیت ها و در پرتو شرایط نوین، خواهان آن بودند تا دریک بستر طبیعی و بر پایه ی مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی در مسیر همگرایی گام بردارند؛ مسیری که آن ها را به عضویت در پیمان های از پیش تأسیس شده یا تأسیس سازمان های جدید فرا می خواند. در این مسیر جدید آن ها با دو انتخاب روبرو بودند: نخست رویکرد درون منطقه ای که همکاری میان کشورهای منطقه را در اولویت قرار می داد. دوم، رویکردی برون منطقه ای، که در آن صورت می بایست به برتری نقش کشورها و قدرت های فرامنطقه ای در همگرایی خود رأی می دادند. در میانه ی چنین انتخابی، حرکت به سوی همگرایی بر مبنای نگاه درون منطقه ای با محور قراردادن همکاری میان کشورهای منطقه و بدون حضور و دخالت قدرت های فرامنطقه ای، ساز و کار منطقی و توجیه پذیر تلقی می شد، ضمن آن که در این رویکرد منافع کشورهای عضو بر کشورها و قدرت های فرامنطقه ای مقدم شمرده می شد، سازمان هایی همچون اکو، جامعه ی مستقل مشترک المنافع و سر آخر سازمان همکاری شانگهای همگی در همین چارچوب قابل ارزیابی هستند. (انوری و رحمانی موحد، 1388، ص 6)**

**گسترش تنش و مشکلات امنیتی در آسیای مرکزی و اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه به دلیل وجود منابع سرشار انرژی، حضور و نفوذ کشورهای غربی بویژه آمریکا در این منطقه با دلایل گوناگون به خصوص مبارزه با تروریسم، نگرانی روسیه به علت وجود منافع حیاتی خود در این حوزه و حرکت تجزیه طلبانه مسلمانان جمهوری سین کیانگ چین، باعث شد تا کشورهای آسیای مرکزی و بنیانگذاران سازمان شانگهای بویژه چین و روسیه، به دنبال حل مسایل امنیتی در قالب همکاری های منطقه ای باشند.**

**جایگاه بین المللی، مسایل انرژی، تحولات دو دهه­ی اخیر مرتبط با افراط گرایی و تروریسم، روابط بازرگانی، سابقه همکاری های متنوع با کشورهای منطقه، اشتراکات تاریخی و فرهنگی، ضرورت امنیت و ثبات منطقه ای و پیرامونی و. . . از جمله دلایلی هستند که روسیه و چین را مجاب ساخته تا حداقل در دهه ی اخیر با نگاهی کلان به تحولات مرتبط با منطقه و تقویت همکاری های متقابل بنگرند.(انوری و رحمانی موحد، 1388، ص 34)**

**پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی و دورنمای مبهم ساختار نظام جدید بین المللی، اتخاذ تصمیم و مکانیزم­هایی جهت تدوین قواعدی جدید و شکل دادن به نظام بین الملل به منظور کسب حداکثر منافع را، برای کشورها ضروری ساخت.**

**ایده­ی پیدایی سازمان همکاری شانگهای در آغاز هزاره­ی سوم میلادی که دانشمندان و سیاستمداران موضوع ورود بشریت به عصر نو و پساصنعتی – اطلاعاتی را دنبال می نمایند، رویدادی برجسته در معادلات منطقه ای و بین المللی به شمار می آید، ضمن آن که شکل گیری سازمان به نظر امری گریزناپذیر و برآیند شرایط مبهم و پیچیده اوضاع جاری جهانی است، شرایطی که چشم اندازی غیر قابل پیش بینی و آسیب­پذیر و همزمان آکنده از چالش­های تمدنی، زیست محیطی، جمعیتی، قومی، نظامی، نژادی و فرهنگی جدیدی را فراروی جامعه جهانی قرار داده است. شکل گیری و گسترش سازمان در بستر گرایش جهان به سوی منطقه گرایی و سرعت بخشیدن به روند خودجوش و یافتن جایگاه سازمانی آن بر پایه­ی ارزش­های تمدنی و قاره­ای کم و بیش مشترک انجام می یابد و البته غریزه­ی حفظ بقاء ملل نیز در ایجاد آن بی تأثیر نبوده است و در چنین بستری همگرایی ملت­های منطقه بر اساس معیارهای قاره­ای و منطقه­ای به منظور رویارویی با چالش­ها و تهدیدهای جهانی و فجایع، روبه تقویت می رود.(انوری و رحمانی، 1388، ص 8)**

**دلایل زیر اهمیت سازمان شانگهای را بیان می دارد:**

**- موضوع جهانی شدن.**

**- ظرفیت و توانمندی­های سازمان.**

**- اهمیت قاره­ی آسیا در آینده­ی نظام بین الملل.**

**- ظرفیت سازی برای گسترش همکاری­های اقتصادی منطقه­ای.**

**تمام تلاش اعضای شانگهای از تأسیس این سازمان این بوده که با ایجاد اتحادیه­ی همکاری منطقه­ای شرایط را برای همکاری­های بلند مدت اقتصادی و بازرگانی و تجاری و امنیتی فراهم سازند. اعضای سازمان همکاری شانگهای، به دنبال تبدیل شدن به یکی از قطب­­های بزرگ جهانی در آینده­ی نزدیک هستند. و با توجه به اینکه آینده و سرنوشت جهان به واسطه­ی سازمان­های قدرتمند منطقه­ای رقم خواهد خورد، بدنبال نقش آفرینی در معادلات جهانی هستند.(یزدان پناه، 1389، ص 113)**

**تهدیدات مشترک منطقه­ای؛ نظیر افراط گرایی مذهبی و تروریسم از یک سو و تهدیدات فرامنطقه­ای همچون گسترش و تحکیم حضور و نفوذ امریکا در این منطقه را می توان از عوامل مؤثر در شکل گیری سازمان شانگهای، در آسیای مرکزی برشمرد. در این میان انگیزه­ها و علائق دو کشور چین و روسیه را نیز نباید در شکل گیری سازمان شانگهای نادیده گرفت. زیرا روسیه به همراه چین همواره تلاش دارد تا با ایجاد ساختارهای منطقه­ای ضمن تلاش برای تأمین امنیت منطقه و مقابله با خطرات منطقه­ای، دستاویزهای امریکا و ناتو را در گسترش به شرق بی اثر سازد.(انوری و رحمانی موحد، 1388، ص 36) در کنار این دو کشور انگیزه­ی مشترک کلیه اعضای سازمان، تلاش جمعی برای مقابله با تحولات بی ثبات کننده و ضد امنیتی است. سازمان همکاری شانگهای به علت اهمیت و جامعیت آن و وجود منافع مشترک بین اعضا شکل گرفت. تأسیس آن بر شرایط اقتصادی و جغرافیای سیاسی تمام اعضای آن، مخصوصا همکاری در زمینه های امنیتی و اقتصادی، تأثیر شگرفی داشت.**

**روند شکل گیری سازمان همکاری شانگهای**

**کشورهای منطقه آسیای مرکزی ، از زمان استقلال تا تشکیل سازمان همکاری شانگهای دوره های متفاوتی از شرایط امنیتی را پشت سر گذاشتند. (سازمان همکاری شانگهای، 1388، ص2)**

**1- دوره بی نظمی نسبی (93-1991 ).**

**2- دوره ثبات نسبی (96- 1993 ).**

**3- دوره آغاز دگرگونی (98- 1997 ).**

**4- دوره توازن نسبی ( 99- 1998 ).**

**5- دوره تشدید رقابتها (2001- 2000).**

**با توجه به نقش مناسبات و همکاریهای منطقه ای در تحقق اهداف کشورهای واقع در یک منطقه ، ایجاد گروه « شانگهای پنج » از یک سو به منظور تعدیل در مناسبات دو کشور روسیه و چین با بلوک غرب (بویژه ایالات متحده ) به عنوان شریک اول استراتژیک هر دو کشور و در مرحله دوم تعیین حدود فعالیت هر یک از دو قدرت فوق در منطقه و در نهایت رفع برخی موانع سنتی کشورهای منطقه نظیر؛ اختلافات مرزی ، جدایی طلبی ، مواد مخدر و . . . مورد توجه قرار گرفت. در مقابل چهار کشور قزاقستان، قرقیزستان ، تاجیکستان و ازبکستان نیز با هدف تعدیل روابط با روسیه و رفع موانع و مشکلات داخلی و سنتی نظیر اختلافات مرزی ، شورش ها و ناآرامی های داخلی ، مبارزه با جدایی طلبی ،افراط گرایی و . . . از پیوستن به این پیمان استقبال کردند. (سازمان همکاری شانگهای ، 1388،ص 3 )**

**بر اساس منابع روابط بین الملل، سطح مناسبات میان کشورها را می توان با شاخص هایی همچون هماهنگی، همکاری، ائتلاف، همگرایی و در نهایت اتحاد تعریف و مورد سنجش قرار داد. از هماهنگی تا اتحاد درجه قابل توجهی از یکسان سازی و یگانگی جود دارد که در طی زمان و با هماهنگی ساختارهای مختلف سیاسی- اجتماعی کشورها به دست می آید. اتحاد درجه مهمی از همسویی است که می تواند دو یا چند کشور را در مسیر تحقق بخشیدن به اهداف مهم مشترک سوق دهد. البته برای تحقق منافع ملی ، اغلب تعامل میان کشورها در حد همکاری باقی می ماند. ولی امنیت دسته جمعی محتاج ائتلاف و اتحاد می باشد. (سازمان همکاری شانگهای ،1388 ،ص 6)**

**از آغاز روند عادی سازی روابط چین و شوروی در سالهای آغازین دهه 1980 تا به امروز ، روابط دو کشور چین و فدارسیون روسیه مسیر تعالی را تا سطح مشارکت در همکاری های منطقه ای و بین المللی طی نموده است . فروپاشی شوروی ، تهدید مرزهای شمالی را برای پکن تبدیل به فرصت نمود. دولت چین از این فرصت برای رفع مناقشات مرزی خود با روسیه و کشورهای تازه استقلال یافته بهره گرفت و مذاکرات خود را با آنها بطور دو یا چند جانبه آغاز نمود. دولتهای آسیای مرکزی که در آن زمان کسب و تحکیم استقلال مهمترین دغدغه آنها بود، از سیاست غیر تهاجمی چین و تمایل آن کشور برای اعتماد سازی بویژه در امور نظامی استقبال کردند. روسیه نیز که دیگر عمدتا یک قدرت بزرگ اوراسیایی محسوب می شد و نیاز داشت از چین برای ایجاد روابط متعادل با غرب استفاده کند، به روند ایجاد حسن همجواری و دوستی فیمابین چین و کشورهای همسایه آن یاری رساند. در دهه 1990 یک سلسله مذاکرات مربوط به « اقدامات اعتماد سازی در سراسر نواحی مرزی » میان کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و روسیه از یک سو ، و چین از سوی دیگر شکل گرفت. این مذاکرات موجب شد تا در26 آوریل 1996، نهادی چند جانبه با عنوان « گروه شانگهای پنج » شکل گیرد. در آن زمان سران پنج کشور روسیه، چین ، قزاقستان ، و تاجیکستان با هدف تحقق اعتماد سازی و« ایجاد کمربند حسن همجواری در نواحی مرزی» در شهر شانگهای چین گرد هم آمدند. (سازمان همکاری شانگهای ،1388 ،ص7)**

**در ابتدا این گروه در قالب ترتیبات امنیت منطقه ای، با هدف توسعه اقدامات اعتماد سازی امنیتی در مرزهای کشورهای عضو تأسیس گردید و کمتر به عنوان یک مکانیسم بین المللی مورد توجه قرار داشت. ولی به مرور در طی نشست های سران در شانگهای، مسکو، آلماتی، بیشکک و دوشنبه ، تکوین و تحول ساختاری و عملکردی پیدا کرد و دامنه اهداف و سیاست گذاری های آن از اقدامات و مباحث امنیتی به موضوعات اقتصادی - تجاری و همکاری های سیاسی گسترش یافت. تا جایی که در ششمین اجلاس سران گروه شانگهای پنج که در تاریخ 14 و 15 ژوئن سال 2001 در شهر شانگهای چین برگزار گردید، ازبکستان به عنوان ششمین عضو گروه پذیرفته شد و در جریان اجلاس فوق ، سران کشورهای عضو اعلامیه تأسیس «سازمان همکاری شانگهای» را امضا نمودند و اجلاس فوق « اولین نشست شورای رؤسای کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای» نام گرفت. بدین ترتیب در پنجمین سال تولد، گروه مذکور به یک سازمان چند جانبه منطقه ای تبدیل شد.**

**شانگهای منطقه­ای در شرق چین در نوار ساحلی دریای چین شرقی واقع شده است که به لحاظ استراتژیک دارای اهمیت خاصی است و بنابر موقعیت جغرافیایی در حال حاضر، صنعتی ترین و پیشرفته ترین منطقه­ی چین محسوب می شود. سازمان همکاری شانگهای از دل رقابت قدرت­های بزرگ بر سر منطقه­ی ژئوپولیتیک آسیای مرکزی بیرون آمده است و سازمانی میان دولتی محسوب می شود. (یزدان پناه،1389 ،ص107)**

**اهداف و حوزه­های فعالیت و همکاری سازمان شانگهای**

**بنیان گذاران سازمان شانگهای معتقدند که ایجاد و توسعه سازمان همکاری شانگهای به منظور تأمین نیازهای مردم منطقه و تمایل همیشگی آنها به حفظ امنیت، صلح، ثبات و بهبود شرایط می باشد.**

**اهداف اصلی این سازمان بر اساس اسناد امضا شده و بیانیه تأسیسی سازمان عبارتند از:**

**1- تقویت اعتماد متقابل و حسن همجواری مرزی و دوستی بین کشورهای عضو.**

**2- توسعه همکاری­های ثمر بخش در امور سیاسی، اقتصادی، تجارت، علم و تکنولوژی، فرهنگ، آموزش، انرژی، حمل ونقل، محیط زیست و ... .**

**3- همکاری متقابل برای حفظ صلح، امنیت و ثبات در منطقه.**

**4- ارتقا کیفی ساختاری جدید در بخش سیاست و اقتصاد بین الملل بر اساس منطق، عدالت و دمکراسی. (انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 13)**

**جغرافیای سازمان شانگهای**

**تأثیر جغرافیا بر موقعیت سازی و ترسیم روابط منطقه ای بسیار حائز اهمیت است. یکی از کاربردی ترین دلایل اهمیت شانگهای ویژگی­های جغرافیایی آن است. در حال حاضر، حوزه­ی جغرافیایی شانگهای یکی از امن ترین حوزه­های جغرافیایی است.(یزدان پناه، 1389،ص 128)**

**شش کشور عضو سازمان همکاری شانگهای وسعت سرزمینی بالغ بر 460،178،30 کیلومتر مربع را شامل می گردند که در واقع سه پنجم کل مساحت قاره اوراسیا می باشد.در میان شش کشور عضو سازمان، روسیه با وسعت سرزمینی 17،075،200 کیلومتر مربع وسیع ترین کشور عضو و تاجیکستان با 143،100 کیلومتر مربع کوچکترین کشور عضو سازمان می باشند. از لحاظ جمعیت، شش کشور عضو سازمان با در بر گرفتن 25% کل جمعیت کره زمین و 60% سرزمین اوراسیا، جمعیتی بالغ بر 1،527،000،000 را در بر می گیرند.در این میان کشور چین با جمعیت 1،330،044،000 نفر پر جمعیت ترین و کشور قرقیزستان با جمعیت 5،356،000 نفر کم جمعیت ترین کشور عضو سازمان محسوب می گردند.(سازمان همکاری شانگهای، 1388،ص 16)**

**اهمیت مکانی شانگهای به گونه­ایست که کشورهای عضو و ناظر روی هم نه تنها بزرگ­ترین توان اقتصادی، نظامی، هسته­ای و فضایی جهان را دارا هستند بلکه بیشترین تولید کننده و مصرف کننده­ی انرژی در جهان نیز به شمار می روند. از این رو به لحاظ جغرافیای سیاسی و موقعیت فضایی سرآمد جهان به حساب می آید. موضوعی که به طور کامل به شانگهای قدرت ژئوپلیتیکی می بخشد، مساحت کشورهای عضو(اصلی و ناظر) این اتحادیه روی هم بیش از 37 میلیون کیلومتر مربع یا یک چهارم سطح خشکیهای زمین است. (یزدان­پناه، 1389، ص121)**

**ویژگی ها و اهداف کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای**

**کشورهای تشکیل دهنده­ی سازمان همکاری شانگهای در بر گیرنده­ی حوزه­ی بزرگی از جغرافیای قاره­ی آسیا و اوراسیا هستند. محور اصلی تشکیل دهنده­ی آن نیز دو کشور بزرگ روسیه و چین هستند که خود جزء دو قدرت برتر جهانی به حساب می آیند. وسعت زیاد جغرافیایی، حضور در شورای امنیت سازمان ملل متحد، قدرت اتمی، صنعت برجسته­ی فضایی، عضویت در باشگاه صنعتی جهان، اقتصاد روبه رشد و جهان شمول و جمعیت زیاد از جمله ویژگی­های این دو کشور بزرگی است که در کنار ارزش های فراوان ژئوپولیتیکی دیگر کشورهای عضو(دائم و ناظر) هویت متفاوتی به سازمان شانگهای داده است.(یزدان پناه،1389 ،ص 5)**

**بنیانگذاران سازمان با آگاهی از این که هرگونه ترتیبات و تشکل امنیتی به تنهایی تأمین کننده­ی اهداف بلند مدت سازمان نخواهد بود، در پی گسترش و تعمیق همکاری­ها در حوزه های متنوع؛ اقتصادی، قضایی، علمی، فرهنگی، مالی و ... اولویت­هایی فراتر از حوزه­های امنیتی و سیاسی صرف برآمدند و آن را لازمه موفقیت سازمان قلمداد می نمایند.(انوری و رحمانی موحد، 1388، ص69)**

**تلاش در جهت زدودن فقر عمومی، کاهش بیکاری و ارتقاء سطح زندگی از مهمترین انگیزه­های کشورهای آسیای مرکزی برای پیوستن به سازمان می باشد. این عنصر از دو جهت بر امنیت و ثبات این کشورها تأثیر می گذارد:**

**نخست) دستاویزی برای گروه­های افراطی و در ظاهر عدالتخواه در پوشش حرکت­های اسلامی.**

**دوم) تأثیرات فقر عمومی و بیکاری بر رشد و توسعه­ی انسانی – اقتصادی.**

**در این چهارچوب تقویت و اوجگیری سازمان همکاری شانگهای و همکاری با قدرت­های اقتصادی منطقه موجب می شود تا کشورهای این منطقه بتوانند برخی نیازهای اقتصادی خود را برطرف سازند. .(انوری و رحمانی موحد،1388، ص78)**

**سازمان شانگهای دارای ویژگی­های خاصی است که می توان گفت در مقایسه با دیگر سازمان­های منطقه­ای منحصر به فرد است. اعضای آن کاملا متفاوت هستند. از یک طرف چین کشوری که با بیشترین جمعیت، و روسیه با بیشترین وسعت، عضو آن هستند و از سوی دیگر کشورهایی کوچک و با جمعیت بسیار کم از اعضای این سازمان به شمار می آیند. کشورهای عضو این سازمان، از نظر فرهنگی و مذهبی نیز با یکدیگر تفاوتهایی آشکار دارند. همچنین از نظر اجتماعی، سیاسی و سطح توسعه اقتصادی هم متفاوتند.**

**در این بخش به پیشینه، ویژگی­ها و اهداف کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای می پردازیم :**

**1- چین**

**جمهوری خلق چین، معروف به چین، پرجمعیت‌ترین کشور دنیا با بیش از ۱.۳ میلیارد نفر سکنه است. این کشور، توسط حزب کمونیست چین در قالب نظام تک ‌حزبی اداره می‌شود. این حزب بر ۲۲ استان، ۵ منطقه­ی خودمختار، ۴ شهر با مدیریت مستقیم (پکن، تیانجین، شانگهای و چونگ‌کینگ) و ۲ منطقه­ی اداری ویژه­ی بسیار خودمختار ِ هنگ کنگ و ماکائو حکومت می‌کند. پایتخت کشور پکن است. جمهوری خلق چین با حدود ۹.۶ میلیون کیلومتر مربع سومین یا چهارمین کشور وسیع دنیا و دومین کشور بزرگ دنیا از نظر وسعت خاکی (بدون احتساب آب‌های داخلی) است. کشور چین در منطقه شرق آسیا قرار گرفته ‌است و مساحت آن بیش از ۹٬۵۹۶٬۰۰۰ کیلومتر مربع است که به این ترتیب بعد از روسیه، دومین کشور پهناور آسیا به حساب می‌آید. چین دارای مرز زمینی با ۱۴ کشور است. این کشور همچنین از سمت شرق و جنوب با دریای چین شرقی، خلیج کره، دریای زرد ، و دیگر آبهای آزاد احاطه شده‌است.**

**نظام سیاسی چین بیش از ۶ هزار سال مبتنی بر سلطنت مطلقه­ی موروثی بود. نخستین دودمان پادشاهی این کشور دودمان شیا در حدود ۲ هزار سال پ.م بود. اما نخستین حکومتی که چین را متحد کرد دودمان چه‌این در ۲۲۱ پ.م بود. آخرین دودمان پادشاهی این کشور هم چینگ بود که در ۱۹۱۱ با تشکیل جمهوری چین به رهبری کومین‌تانگ، حزب ملی چین ، نابود شد. چین در نیمه ی اول سده­ی بیستم میلادی در دریایی از اختلافات و جنگ‌های داخلی غوطه‌ور بود که کشور را به دو اردوگاه سیاسی عمده تقسیم کرده بود؛ کومین‌تانگ و کمونیست‌ها. مخاصمات اصلی در ۱۹۴۹ با پیروزی کمونیست‌ها در جنگ داخلی و تأسیس جمهوری خلق چین در سرزمین اصلی پایان یافت. جمهوری چین به رهبری کومین‌تانگ پایتخت خود را به تایپه در تایوان منتقل کرد و حکومت آن امروزه به تایوان، کینمن، ماتسو و چند جزیره دوردست دیگر محدود شده‌است. از آن هنگام جمهوری خلق چین و جمهوری چین درگیر اختلافات سیاسی شدیدی با یکدیگر در مورد حق حاکمیت و وضعیت سیاسی تایوان بوده‌اند.**

**از هنگام اجرای اصلاحات اقتصادی در چین برای پی‌ریزی یک اقتصاد مدرن، چین یکی از سریع‌ترین رشدهای اقتصادی دنیا را داشته است. این کشور هم‌ اکنون بزرگترین صادرکننده و دومین واردکننده­ی بزرگ کالا است و دومین اقتصاد بزرگ دنیا بر پایه ی تولید ناخالص داخلی را در اختیار دارد. چین عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و سازمان‌های چندجانبه‌ای همچون سازمان تجارت جهانی، اپک، سازمان همکاری شانگهای و گروه ۲۰ است.[[1]](#footnote-1)**

**چین یکی از کشورهای مطرح و تأثیر گذار در پیدایش سازمان همکاری شانگهای بوده است. همجواری با سه کشور آسیای مرکزی و موضوع کنترل مرزها، جدایی طلبی، افراط گرایی مذهبی، و حضور بازیگران فرامنطقه­ای تهدیداتی را برای امنیت چین به وجود آورد، همجواری استان مسلمان نشین چین(سین کیانگ) با جمهوری های آسیای مرکزی که تحت نفوذ گسترش امواج اسلام گرایی قرار گرفتند، دغدغه ای جدی برای امنیت چین به همراه داشت و این کشور را به سمت تشکیل اتحادیه های منطقه ای و همکاری های دو یا چند جانبه با کشورهای این منطقه سوق داد. از سوی دیگر انگیزه های فراوان اقتصادی،که ناشی از وجود ذخائر انرژی و بازارهای منطقه بود چین را ترغیب به حضور و نفوذ در آسیای مرکزی نمود.**

**چین برای تحقق سیاست­های اقتصادی خود مجبور است به اتحادیه­های منطقه­ای روی آورده تا در بازارهای منطقه نفوذ کند. چین در تلاش است تا قرن بیست و یک را به طور مطلق به خود اختصاص دهد. چینی­ها تاکنون از تمام ظرفیتهای لازم برای افزایش سطح تولید استفاده کرده اند.(یزدان پناه ، 1389 ،ص22)**

**فرو پاشی شوروی و متعاقب آن، تأسیس کشورهای جدیدی در منطقه آسیای مرکزی، حضور و نفوذ چین را در محیط پیرامونی بخش غربی خود را فراهم نمود و فضای جدیدی را برای شتابان کردن روند توسعه اقتصادی از طریق تبادل با بخش دیگری از جهان خارج را برای چین گشود. افقهای جدید نفوذ و توسعه با در نظر گرفتن محدودیت ها و توانایی ها، دولت چین را به سوی اتخاذ روشی تدریجی در گسترش همکاری­ها با کشورهای آسیای مرکزی سوق داد.(سازمان همکاری شانگهای، 1388 ،ص 54)**

**چین در دنبال کردن هدف های خود و تثبیت موقعیت خود، به ویژه در حوزه ی اقتصادی و امنیتی خود بنا به دلایل مسلم استراتژیک توجه خاصی را به حوزه ی آسیای مرکزی معطوف کرده است. زیرا آسیای مرکزی در جهان مدرن اهمیت خاصی روی نقشه دارد. چین از تشکیل اتحادیه ی شانگهای دنبال سه هدف زیر بوده است:**

**- تضمین تمامیت ارضی و رفع تهدیدات مرزی در حوزه ی مجاور شانگهای.**

**- مبارزه با احساسات قوم گرایی و ایجاد ثبات در مناطق شمال شرقی.**

**- دسترسی آسان به منابع انرزی قابل اعتماد.( یزدان پناه، 1389،ص 21)**

**اهداف چین را در سه سطح ملی، منطقه ای و کلان (نظام بین الملل) می توان بررسی نمود. در سطح ملی زیر دو عنوان کلی اقتصادی و امنیتی می توان مورد ارزیابی قرار داد. در سطح منطقه ای در دو زوایه می توان نگاه چین به سازمان را خلاصه کرد:**

**1- مهملی برای ثبات سازی نهادمند در محیط امنیتی این کشور.**

**2- نهادی برای مقابله با تهدیدات علیه انسجام سرزمینی .**

**درسطح کلان (نظام بین الملل)، بطور منطقی نگاه چین به شانگهای، به معنای استفاده از آن به عنوان ابزاری در جهت تمنیات این کشور در سیاست بین المللی است.(انوری ورحمانی موحد، 1388،ص 71)**

**بطور کلی اهداف چین از تلاش برای تأسیس و تقویت سازمان همکاری شانگهای را می توان در موارد زیر بیان کرد:**

**1- تلاش برای سد پیشروی ناتو تا مرزهای غربی چین.**

**2- تلاش برای ایجاد جهان چند قطبی و مقابله با هژمونی امریکا از طریق همکاری مؤثر با روسیه.**

**3- استمرار روند اعتمادسازی نظامی و تقویت همکاری های نظامی.**

**4- خنثی کردن جدایی طلبی قومی و نفوذ اسلام رادیکال به مناطق غربی چین.**

**5- ایجاد محیط امن پیرامون، در جهت پیشبرد اصلاحات و توسعه اقتصادی.**

**6- ایجاد یک بلوک سیاسی جدید با محوریت چین و روسیه.**

**7- تبدیل آسیای مرکزی به منطقه تحت نفوذ چین.**

**8- بهره برداری از ظرفیت بازارهای منطقه برای کالاهای ارزانتر چینی.**

**9- تلاش برای تثبیت رهبری کشورهای جهان سوم.**

**10- ایجاد تعادل در توسعه شرق و غرب کشور از طریق افزایش تجارت با آسیای مرکزی.**

**11- بر آوردن نیازهای انرژی خود در چارچوب استراتژی متنوع کردن منابع تأمین انرژی (سازمان همکاری شانگهای،1388 ،ص 55).**

**در یک جمع بندی، سیاست چین را در آسیای مرکزی – که می تواند خود به عنوان چشم انداز راهبرد چین در بنیانگذاری سازمان همکاری شانگهای قلمداد شود- تابع 8 مورد ذیل است:**

**1- حمایت از استقلال و تمامیت ارضی، توسعه سیاست اقتصادی و سیاسی و مخالفت با سلطه کشورهای دیگر منطقه.**

**2- توسعه روابط براساس مفهوم جدید امنیتی با تأمین منافع دو جانبه.**

**3- حل و فصل مشکلات مرزی و خلع سلاح در مرزها.**

**4- تلاش مشترک با روسیه برای مقابله با تروریسم، تجزیه طلبی، افراط گرایی و قاچاق مواد مخدر و اسلحه در منطقه بویژه در ارتباط با مسلمانان سین کیانگ.**

**5- کمک برای حل مشکلات منطقه ای و قومی.**

**6- کمک به اعلام آسیای مرکزی به عنوان منطقه عاری از سلاح هسته­ای.**

**7- تحکیم همکاری بویژه در زمینه انرژی و حمل ونقل.**

**8- ارتقاء همکاری­های فرهنگی و گردشگری.(انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 73)**

**2- روسیه**

**روسیه پهناورترین کشور جهان است که در شمال اوراسیا قرار دارد. این کشور در آسیای شمالی و اروپای خاوری واقع است و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوس منجمد شمالی؛ و نیز با دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک مرز آبی دارد. روسیه با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی دارد و با کشورهای پیرامون دریای برینگ، دریای ژاپن، دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک ارتباط دریایی دارد.**

**روسیه با ۱۷٬۰۷۵٬۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت، پهناورترین کشور جهان است. پهناوری روسیه دو برابر مساحت کانادا یا چین یا ایالات متحده آمریکا است. این کشور در عرضهای بالای جغرافیایی واقع شده‌است و بیشتر مناطق کشور سردسیر و کم بارش است. به همین دلیل بیشتر مناطق این کشور (به ویژه سرزمین بزرگ سیبری) خالی از سکنه هستند و کشاورزی در این مناطق میسر نیست. پایتخت روسیه شهر مسکو است که در باختر و بخش اروپایی کشور است و بزرگترین شهر اروپا است.**

**روسیه حدود ۱۴۲ میلیون تن (براورد ۱۳۸۷) جمعیت دارد، که از این دید در جهان نهم است. تراکم جمعیت روسیه ۳/۸ تن در هر کیلومتر مربع است که از پایینترین نرخهای تراکم جمعیت در جهان است. همچنین نرخ رشد جمعیت در این کشور منفی است. بیشتر جمعیت روسیه در غرب این کشور (بخش اروپایی) زندگی می‌کنند. حدود ۸۰ درصد (۱۱۵ میلیون تن) از مردم روسیه از نژاد روسی هستند و سایر نژادهای این کشور عبارتند از: تاتار، اوکراینی، چوواش، چچنی، ارمنی، داغستانی، مغول، آواری، اینگوش، چرکس، بالکار، اوستیایی، آذری، گرجی، و... [[2]](#footnote-2)**

**روسیه با وسعت 17400570 کیلومتر مربع بزرگترین کشور جهان است. روسیه شامل 21 جمهوری خودمختار، 49 استان، شش ناحیه و ده منطقه ملی است. وسعت این کشور تقریبا دو برابر امریکا است. جمعیت این کشور بالغ بر 150 میلیون نفر است. بیش از هشتاد درصد مردم روس هستند. بیش از سه چهارم جمعیت روسیه در نواحی شهری زندگی می کنند. تقریبا سه چهارم جغرافیای این کشور نیز به دلیل شرایط خاص جغرافیایی فاقد جمعیت است. مناطقی که در آن روس ها اکثریت را تشکیل می دهند عبارتند از: منطقه ی کوهستانی اورال، منطقه ی قفقاز، و سیبری شرقی. صفحه ی شطرنج قومیت های ناحیه ی کوهستانی قفقاز دارای تاریخی پر شور و پیچیده است.رقابت ها هنوز هم برای تسخیر آینده در این نواحی وجود دارد و این یکی از دغدغه های بزرگ مسکو به لحاظ امنیتی می باشد و ژئوپولیتیک روسیه را تحت تأثیر خود قرار داده است. از نکات جالب توجه دیگر این است که دولت روسیه باید به منافع این کشور در خارج از خاک روسیه نیز توجه کند. حدود سی میلیون نفر از روس ها در جمهوری های تازه استقلال یافته زندگی می کنند. روسی زبان نود درصد ساکنان فدارسیون روسیه است اما این مردم به قومیت های مختلفی تعلق دارند.(یزدان پناه، 1389،ص 9)**

**در نخستین سالهای استقلال جمهوری ها این باور وجود داشت که تأمین امنیت این منطقه به روسیه مربوط نمی شود، ولی جنگ داخلی تاجیکستان به همراه مجموعه ای از وقایع دیگر این نگرش را به طور اساسی دگرگون کرد و در نهایت روسیه، جدایی ناپذیری امنیت خود و آسیای مرکزی را به عنوان واقعیتی غیر قابل انکار پذیرفت. (کولایی، 1385،ص 34)**

**حاکم شدن جریان سرمایه داری آزاد در روسیه و ارائه مکانیسمهای جدید، روسیه را به سمت منطقه گرایی و عضویت متعدد در سازمان های منطقه ای سوق داد. یکی از هدف های استراتژیک روسیه برای عضویت در شانگهای رسیدن به اقتدار گذشته در منطقه و جهان است. روسیه در سازمان شانگهای به دنبال رفع موانع استراتژیک در حوزه ی ژئوپولیتیک خود است تا بتواند مناسب با قوانین و کدهای ژئوپولیتیکی، ثبات ژئوپولیتیکی خود را در دراز مدت تأمین کند وبا عضویت در سازمان شانگهای بدنبال تحقق هدف های میان مدت و بلند مدت است. (یزدان پناه، 1389،ص 11)**

**از نظر روسیه، انچه که بیش از همه امنیت ملی این کشور را به خطر می اندازد، تهدیدات از ناحیه جنوب این کشور است. بویژه در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز که در آنها افراط گرایی مذهبی شیوع دارد. بر همین اساس تمایل روسیه به تشکیل سازمان همکاری شانگهای نتیجه طبیعی مذاکرات این کشور با چین در مورد مسایل مرزی و تدابیر اعتماد سازی در حوزه نظامی و گسترش مشارکت راهبردی بین این دو کشور بود. (انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 75)**

**روسیه تلاش دارد تا با نزدیکی هر چه بیشتر به چین دست به اتحاد استراتژیک علیه رقیب دیرینه­ی خود یعنی امریکا بزند. مهمترین هدف های روسیه از تأسیس شانگهای عبارتند از:**

**1- نیل به منافع ملی روسیه و کنترل حوزه ی آسیای مرکزی به منظور جلوگیری از تسلط امریکا بر منطقه.**

**2- ارتقای جایگاه خود در عرصه ی بین المللی و افزایش توان نفوذ خود درجهان.**

**3- مبارزه با عوامل ناامنی از جمله تروریسم، مواد مخدر، قاچاقچیان سلاح.(یزدان پناه، 1389،ص 7)**

**اهداف روسیه در سازمان شانگهای:**

**- تلاش برای کاهش مؤثر نفوذ غرب بویژه امریکا و ناتو در آسیای مرکزی که یک تهدید استراتژیک برای روسیه محسوب می شود.**

**- تلاش برای ایجاد جهان چند قطبی از طریق فراهم آوردن وضعیتی برابر با سایر قدرت های بزرگ با همکاری چین.**

**- تقویت وجهه و اعتبار بین المللی روسیه.**

**- تقویت یکی از آسیب پذیرترین محیط های پیرامونی امنیتی خود در شرق دور و آسیای مرکزی.**

**- کمک به وحدت روسیه و داشتن دست برتر در کشورهای آسیای مرکزی.**

**- ایجاد محیط امن پیرامونی جهت تمرکز بیشتر بر اصلاحات و توسعه اقتصادی.**

**- جذب بیشتر همکاری های اقتصادی و تجاری آسیای مرکزی.**

**- مقابله با افراطی گری مذهبی، جدایی طلبی و تروریسم بین المللی.(سازمان همکاری شانگهای،1388 ،ص57)**

**3- قزاقستان**

**قزاقستان کشوری است در آسیای میانه که از شمال با روسیه، از شرق با چین، در جنوب شرقی با قرقیزستان، در جنوب با ازبکستان و در جنوب غربی با ترکمنستان همسایه است. سواحل شمال شرقی دریای خزر در خاک این کشور قرار دارد و قزاقستان بزرگترین کشور محصور در خشکی در دنیا است.**

**پایتخت فعلی این کشور آستانه است. وسعت قزاقستان ۲٬۷۱۷٬۳۰۰ کیلومتر مربع (بیش از سه برابر ترکیه یا پاکستان) است و حدود ۲۰٪ آن در سوی کوههای اورال قرار گرفته و به لحاظ جغرافیایی بخشی از اروپا است. البته قزاقستان معمولاً یک کشور آسیایی طبقه بندی می‌شود. با وجود وسعت زیادی که این کشور را نهمین کشور بزرگ دنیا قرار می‌دهد، بیشتر سرزمین آن کویر و استپ است و تراکم جمعیت آن تنها ۶ نفر در هر کیلومتر مربع است. جمعیت قزاقستان در سال ۲۰۰۵ میلادی ۱۵٬۱۰۰٬۵۰۰ نفر تخمین زده شده که تراکم پایین جمعیت در این کشور را نشان می‌دهد.[[3]](#footnote-3)**

**قزاقستان در بخش میانی قاره ی اروپا، آسیا و شمال آسیای مرکزی و از سواحل شرقی دریای خزر تا مرز جمهوری خلق چین قرار دارد. فاصله ی بین شرق و غرب این کشور از رود ولگا در غرب، تا کوه های آلاتاو در شرق، بالغ بر 1900کیلومتر و فاصله ی شمال و جنوب آن، از دشت سیبری در شمال تا صحرای آسیای مرکزی در جنوب، بالغ بر 1300 کیلومتر است. این کشور با جمهوری فدراتیو روسیه در شمال 6846 کیلومتر، جمهوری خلق چین در شرق 1533 کیلومتر، قرقیزستان در جنوب شرقی 1051 کیلومتر، ازبکستان در جنوب 2203 کیلومتر و ترکمنستان در جنوب غربی 379 کیلومتر مرز مشترک دارد. کل مرزهای قزاقستان 12012 کیلومتر است. قزاقستان به لحاظ وسعت، هشتمین کشور جهان و دومین جمهوری از جمهوری های شوروی سابق است. اما با همه ی این وسعت، یکی از کم جمعیت ترین کشور های جهان به شمار می رود و یک کشور محصور در خشکی است که به آب های آزاد بین المللی راه ندارد.**

**قزاقستان به لحاظ جمعیت چهارمین جمهوری در بین جمهوری های مستقل مشترک المنافع است که بیش از 10 ملیت را در خود جای داده است. از رویکرد ژئوپولیتیکی، قزاقستان یکی از مهم ترین قلمروهای استراتژیک در منطقه است. صرف نظر از شرایط ژئواستراتژیک حاکم بر جغرافیای سیاسی این کشور، رابطه­ی منطقه­ی آسیای مرکزی به ویژه قزاقستان به عنوان سرزمینی بین آسیا و اروپا و شرق و غرب آسیا همواره برای بازیگران نقش اول حوزه­ی پاسیفیک از جمله چین و ژاپن حایز اهمیت بوده است.علاقه­ی مشترک قزاق­ها برای گسترش رابطه با کشورهای قدرتمند بر اعتبار ژئوپولیتیکی قزاقستان افزوده است. (یزدان پناه، 1389،ص 58)**

**برای قزاقستان بحث امنیت و مبارزه با گروه­های افراطی از اولویت بالایی برخوردار است، بطوری که همسو با کشورهای منطقه­ی آسیای مرکزی، به دنبال پیوستن به اتحادهای گوناگون برای تضمین امنیت خود می باشد و تأسیس سازمان را پدیده­ی جدیدی برای اتحاد کشورهای منطقه به حساب می آورد. قزاقستان همچنین نقش سازمان را در ارتقای ثبات منطقه بسیار مهم می داند.(انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 80)**

**مهمترین هدف قزاقستان از عضویت در سازمان شانگهای در حال حاضر تثبیت موقعیت ژئوپولیتیک خود به منظور اقتدار سیاسی - اقتصادی خود در آینده است. (یزدان پناه، 1389،ص 55)**

**اهداف دیگری که می توان برای کشور قزاقستان، از عضویت در سازمان همکاری شانگهای برشمرد (به نوعی برای تمامی کشورهای آسیای مرکزی می توان نام برد) عبارتند از:**

**- کسب درجه بیشتری از استقلال از طریق خنثی کردن نفوذ منفی چین و روسیه با یکدیگر.**

**- کسب اعتبار بین المللی از طریق حضور در نهادی چند جانبه بدون نیاز به تن در دادن به پیش شرط های سیاسی و حقوق بشری.**

**- تقویت روند دولت سازی و ثبات سیاسی.**

**- ضمانت صلح و ثبات منطقه ای.**

**- استفاده از امکانات اقتصادی و تجاری چین.**

**- گشایش مسیر چین برای ترانزیت دو سویه کالا و خدمات. (سازمان همکاری شانگهای، 1388،ص60)**

**4-قرقیزستان**

**جمهوری قرقیزستان با ۱۹۸۵۰۰ کیلومتر مربع مساحت در قسمت شمال شرقی آسیای مرکزی واقع شده‌است. این کشور در شرق و جنوب شرقی با چین، در شمال با قزاقستان و در جنوب با تاجیکستان و از غرب با جمهوری ازبکستان همسایه و هم مرز است. جمعیت این کشور ۵ میلیون و پایتخت آن شهر بیشکک است که جمعیت پایتخت ۲/۱ میلیون نفر می‌باشد. به لحاظ موقعیت آب و هوایی، این کشور دارای آب و هوای معتدل کوهستانی، بهار و تابستان معتدل و زمستانی سرد است.**

**ریشه‌های فرهنگی قرقیزها را در بخش­های بالایی رودینی سی(سیبری)در کوهستان آلتای پیدا کرده اند.به نظر می‌رسد آنان در قرن دهم میلادی از آلتای، به جایی که اکنون قرقیزستان نام دارد، مهاجرت کرده اند و در آنجا ساکن شده اند.ترکان سلجوقی و مغولها تاثیر زیادی بر فرهنگ این منطقه گذاشته اند. قرقیزها اسلام و تیراندازی را از ترکان سلجوقی و اسب سواری ماهرانه را ازچابک سواران ترک نژاد آسیای میانه یاد گرفتند. هنوز هم سوارکاران چابکی در این کشور یافت می‌شود. در اوایل سده­ی 1۹ میلادی، قرقیزستان تحت حکومت خانات خوقند (کاکند) درآمد. در سال ۱۸۷۶ قرقیزستان به امپراتوری روسیه ضمیمه شد.**

**پس از انقلاب اکتبر، در سال ۱۹۲۶، جمهوری قرقیزستان (جزئی از اتحاد جماهیر شوروی) تشکیل شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۹۱، قرقیزستان به استقلال دست یافت.[[4]](#footnote-4)**

**ژئوپولییتیک قرقیزستان متأثر از عوامل متعددی است که مهم ترین آن ها برگرفته از موقعیت جغرافیایی این کشور در حوزه ی آسیای مرکزی است. حوزه ی ژئوپولیتیک کشورهای آسیای مرکزی به گونه ایست که این حوزه در قرن بیست و یکم بیشتر مورد توجه جهانی و نهادهای بین المللی و منطقه ای است. یکی از خطراتی که حوزه ی ژئوپولیتیک قرقیزستان را تهدید می کند، پتانسیل اختلافات داخلی است. که ثبات سیاسی این کشور را تهدید می کند. (یزدان پناه،1389،ص 60)**

**اهدافی را که برای عضویت قرقیزستان جهت پیوستن به سازمان شانگهای می توان نام برد، به قرار ذیل است:**

**1- کسب استقلال و ثبات سیاسی.**

**2- حل مشکلات امنیتی و چالش های داخلی و تلاش برای زدودن فقر و مبارزه علیه افراط گرایی.**

**3- تجارت با چین و تقویت همکاری­ها.**

**4- حرکت به سمت توسعه ی اقتصادی با ساز و کارهای سرمایه گذاری و کمک­های اقتصادی .**

**5- کاهش نفوذ روسیه.**

**5- تاجیکستان**

**تاجیکستان یا جمهوری تاجیکستان کشوری در آسیای مرکزی است. این کشور از جنوب با افغانستان ، از باختر (غرب) با ازبکستان ، از شمال با قرقیزستان ، و از خاور (شرق) با چین همسایه است. تاجیکستان یک کشور محاط در خشکی است که در گذشته راه ابریشم از آن گذر می‌کرده است . پهناوری تاجیکستان ۱۴۳٬۱۰۰ کیلومتر مربع است. تاجیکستان کشوری کوهستانی و پربارش است و منابع آّب فراوانی دارد. جمعیت تاجیکستان ۷٬۲۱۵٬۷۰۰ تن (برآورد ۱۳۸۷) است. حدود ۸۰٪ مردم تاجیک هستند (که به فارسی دری سخن می‌گویند)، ۱۵٪ ازبک و سایر مردم روس ، اوکراینی ، چینی ، کره‌ای ، تاتار و غیره هستند. دین بیشتر مردم اسلام است (بیشتر سنی ، دارای اقلیت قابل توجه شیعه اسماعیلی).**

**سرزمین سغد باستان که سرزمین کنونی تاجیکستان را در بر می‌گیرد ، در زمان داریوش یکم به جزئی از امپراتوری هخامنشی تبدیل شد . پس از یورش اسکندر مقدونی ، تاجیکستان به ترتیب جزئی از پادشاهی‌های سلوکی ، اشکانی ، کوشان و ساسانی بوده است . در سال ۷۱۵ میلادی (در زمان امویان)، این سرزمین به تصرف عرب‌ها درآمد و مردم تاجیک دین اسلام را پذیرفتند. پس از اسلام تاجیکستان تبدیل به مهد زبان فارسی دری و فرهنگ و علوم گوناگون شد. در سده ی دهم میلادی ، تاجیکستان جزئی از قلمروی سامانیان بود. پس از سامانیان، تاجیکستان به ترتیب جزئی از حکومتهای غزنوی ، سلجوقی ، خوارزمشاهیان، مغول ، تیموریان و ازبک بوده است.**

**در سده ی نوزدهم میلادی ، شمال تاجیکستان (خجند) جزئی از خانات خوقند، و جنوب تاجیکستان جزئی از خانات بخارا بوده است. خانات بخارا در سال ۱۲۴۵ خورشیدی (۱۸۶۶) ، و خانات خوقند در سال ۱۲۴۷ (۱۸۶۸) ، زیر سلطه ی روسیه تزاری درآمدند.**

**پس از انقلاب اکتبر، در سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) ، جمهوری سوسیالیستی شوروی تاجیکستان (جزئی از اتحاد جماهیر شوروی) تشکیل شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) ، تاجیکستان به استقلال دست یافت.**

**کمی پس از استقلال تاجیکستان در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) ، جنگ داخلی پنج ساله بین دولت تحت حمایت مسکو و مخالفان اسلامگرا (به رهبری عبدالله نوری) درگرفت. [[5]](#footnote-5)**

**اهمیت استراتژیک تاجیکستان در منطقه بدین جهت است که این کشور در قلب آسیای مرکزی بین دو رود آمودریا و سیردریا واقع شده است و با تمامی جمهوری های آسیای مرکزی مرز مشترک دارد. در واقع حضور در بازار این کشور، ورود به بازار سایر کشورهای منطقه را تسهیل می نماید.داشتن مرز مشترک با افغانستان و چین از مزایای مهم موقعیت تاجیکستان در منطقه است که این کشور را به عنوان یکی از مسیرهای دسترسی به آب های آزاد جنوب مطرح نموده است. (یزدان پناه، 1389،ص 61)**

**تاجیکستان نیز همچون سایر کشورهای آسیای مرکزی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، تروریسم و افراط گرایی و البته توسعه­ی همکاری­های اقتصادی را از اولویت های خود برای پیوستن به سازمان معرفی نموده است. (انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 81)**

**از اهداف کشور تاجیکستان برای پیوستن به سازمان شانگهای می توان موارد زیررا نام برد:**

**1- کسب استقلال و ثبات سیاسی.**

**2- حل مشکلات امنیتی و چالش های داخلی..**

**3- تجارت با چین.**

**4- حرکت به سمت توسعه ی اقتصادی .**

**5- کاهش نفوذ روسیه .**

**6- ازبکستان**

**ازبکستان کشوری است در آسیای مرکزی ، دارای مرز مشترک با کشورهای افغانستان ، تاجیکستان ، ترکمنستان، قرقیزستان، و قزاقستان. پایتخت این کشور شهر تاشکند است. ازبکستان با افغانستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و قزاقستان همسایه‌است. ازبکستان ۴۴۷،۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت و 26851000 تن جمعیت دارد. که از این لحاظ ۵۶ کشور بزرگ جهان و ۴۲ کشور پرجمعیت جهان به حساب می‌آید. در میان کشورهای مستقل همسو از نظر پهناوری پنجمین و از لحاظ جمعیت سوم است. پایتخت آن تاشکند و از شهرهای مهم آن سمرقند و بخارا است.این کشور ۱۴۲۵ کیلومتر از شرق به غرب و ۹۳۰ کیلومتر از شمال به جنوب کشیده شده است.**

**ازبکستان پرجمعیت‌ترین کشور منطقه آسیای میانه است و بزرگترین تولیدکننده پنبه در جهان به شمار می‌آید. گاز، نفت و طلا از غنی‌ترین منابعی است که در طبیعت این کشور نهفته است.**

**ازبکستان کشوری خشک و محصور در خشکی است. ازبکستان به همراه لیختن اشتاین دو کشور افزون محصور در خشکی هستند یعنی توسط کشورهای دیگری که در خشکی محصور هستند احاطه شدند.**

**در سده ی دهم ميلادی، منطقه کنونی ازبکستان جزیی از قلمرو سامانیان بود. منطقه کنونی ازبکستان بعدها به ترتیب جزئی از حکومتهای غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی، مغول، تیموری و ازبک شد. در سده ی نوزدهم میلادی، غرب و شمال ازبکستان زیر سلطه ی خانات خوارزم ، و جنوب ازبکستان جزئی از خانات بخارا بوده‌است. خانات بخارا و خوارزم در سال ۱۸۶۶ زیر سلطه ی روسیه درآمدند. شیبانی‌ها به مدت ۴۰۰ سال در ازبکستان حکومت کردند.**

**پس از انقلاب اکتبر، در سال ۱۹۲۴ ، جمهوری ازبکستان (جزئی از اتحاد جماهیر شوروی) تشکیل شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ،در سال ۱۹۹۱، ازبکستان به استقلال دست یافت. واژه ی ازبکستان از دو بخش "ازبک" و "ستان" تشکیل شده است، که به معنای "سرزمین ازبک‌ها" است. [[6]](#footnote-6)**

**کشور ازبکستان به عنوان آخرین عضو ثابت به مجموعه ی شانگهای ملحق شد و بنا به دلایل زیر به این سازمان پیوست:**

**الف- یافتن تضمین امنیتی قابل اعتماد و عقب نماندن از جریان توسعه در آسیای مرکزی.**

**ب- کسب موقعیت برتر در منطقه بنا به ملاحظات ژئوپولیتیک. (یزدان پناه، 1389،ص 67)**

**ازبکستان امیدوار است سازمان نقشی مهم در حل مشکلات امنیتی، جلوگیری از درگیری­ها، استقرار ثبات، اعمال قوانین و نظم و مبارزه با مواد مخدر ایفا کند. علاوه بر این ازبکستان منافع خود را بر توسعه همکاری و گفتگو با تمام کشورهای علاقمند به تحکیم ثبات و امنیت در منطقه و جهان مستقر کرده است و مواضع خود را در برقراری امنیت، احترام به اصول بین المللی، حاکمیت و استقلال، عدم دخالت در امور یکدیگر و بزرگداشت ارزش­های بشری به مواضع کشورهای عضو پیمان شانگهای نزدیک می بیند. (انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 79)**

**کشورهای ناظر سازمان همکاری شانگهای:**

**پس از تأسیس سازمان همکاری های شانگهای در سال 2001 که از کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان تشکیل گردیده است، کشورهای ایران، هندوستان، پاکستان و مغولستان به عنوان ناظر به آن پیوستند.**

**هم­چون هر سازمان دیگری این سازمان نیز دارای هدف­هایی است که مشترکا توسط اعضا دستیابی به آن­ها پیگیری می گردد. این هدف ها عمدتا امنیتی و سپس سیاسی و در درجات بعدی نظامی و اقتصادی است. در عین حال، هرکدام از اعضا و ناظرین این سازمان هدف های مخصوص به خود را نیز در کنار اشتراک خود با دیگران در این سازمان دارند(تعقیب هدف­های ملی).(یزدان پناه،1389،ص69)**

**در این بخش به معرفی و بررسی اهداف کشورهای ناظر در سازمان همکاری شانگهای می پردازیم.**

**1- ایران**

**ایران شانزدهمین کشور جهان با وسعتی در حدود 1648195 کیلومتر مربع است. ایران دارای موقعیت منحصر به فردی است که به واسطه ی آن با 15 کشور منطقه در چهار جهت جغرافیایی همسایه و هم مرز است و با توجه به قرار گرفتن در حد فاصل دو منطقه ی مهم دریای خزر و خلیج فارس، از گذشته های دور به عنوان چهارراه مواصلاتی غرب به شرق و شمال به جنوب و مسیر طبیعی تجارت بین شرق و غرب (جاده ابریشم ) مطرح بوده است. همجواری ایران با آسیای مرکزی و ویزگی های ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک این منطقه، ملاحظات امنیتی – اقتصادی برای ایران ایجاد کرده است. موقعیت جغرافیایی ایران به عنوان یکی از مسیرهای مهم حمل و نقل و ترانزیت به ویژه برای انتقال انرژی منطقه، محوریت ایران در سازمان کنفرانس اسلامی و اکو، فرصت ها و مشترکات فرهنگی و تاریخی از جمله انگیزه های مثبت در روابط ایران با کشور های منطقه محسوب می شود. (یزدان پناه، 1389،ص 72)**

**ایران همواره از یک موقعیت ویژه به جهت وضعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیک خود برخوردار بوده است. ایران تنها مسیر زمینی جایگزین به سمت غرب برای کشورهای منطقه محسوب می گردد. جمهوری های آسیای مرکزی که برای انتقال نفت و گاز و کالاهای خود در پی دسترسی به خلیج فارس هستند، باید از مسیر ایران استفاده کنند. بدیهی است که ظرفیت های ایران در حوزه نفت و انرزی و همچنین موقعیت ژئوپولیتیک و استراتژیک ایران از دید کشورهای عضو سازمان پوشیده نیست. (سازمان همکاری شانگهای،1388،ص 62)**

**ایران یک سرزمین گذرگاهی است که پل ارتباطی سه قاره ی اروپا، آسیا و افریقا محسوب می شود. از سمت شمال غرب به قفقاز، آناتولی و دریای سیاه به اروپا، از شمال و شمال شرق به دریای خزر و آسیای مرکزی، از جنوب و جنوب شرق به اقیانوس هند و شبه قاره هندوستان و از جنوب غرب با خاورمیانه و شمال آفریقا مرتبط است. همچنین دالان هوایی بین قاره ها از سرزمین ایران می گذرد. این سرزمین به دلیل داشتن موقعیت گذرگاهی دارای ژئوپولیتیک ثبات و بی ثباتی است. به عبارت دیگر متأثر از عوامل مهاجر و مهاجم شده است. عامل مهاجرت عامل ثبات و مهاجمین عامل بی ثباتی شده است. موقعیت گذرگاهی یعنی محل عبور و مرور، چنان که موقعیت گذرگاهی در مقیاس منطقه ای اهمیت داشته باشد، یک موقعیت ژئوپولیتیک محسوب می شود، ولی اگر در مقیاس جهانی دارای اهمیت باشد یک موقعیت ژئواستراتژیک به حساب می آید. سرزمین ایران دارای هر دو موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک است. امروزه ایران حتی به لحاظ حجم ذخایر نفتی و گازی از موقعیت ژئواکونومیک برخوردار است. لذا سرتاسر تاریخ ایران مشحون از ثبات و بی ثباتی است. ایران یکی از کشورهای ریشه دار جهان است که طی تاریخ طولانی اش، حکومت و نظام سیاسی در آن بقا و استمرار داشته است. و از حیث تأسیس دولت سرزمینی و برخورداری از حکومت مقتدر، در جهان پیشتاز بوده است. (یزدان پناه، 1389،ص 75)**

**ایران در سالهای پس از انقلاب اسلامی موضوع منطقه­گرایی را به شدت دنبال نموده است. وجود مرزهای مشترک آبی و زمینی، مشترکات فرهنگی و مذهبی، منابع مشترک، دستیابی به بازار منطقه و موقعیت منحصر به فرد ترانزیتی ایران از جمله مواردی هستند که همکاری و همگرایی بیشتر منطقه­ای را ایجاب می نماید. مسائلی هم­چون خطر افراط گرایی مذهبی، بلاتکلیفی در مرزهای جغرافیایی و قومی، ناسیونالیسم قومی اقلیت روس، خطر باندهای مافیایی و قاچاق مواد مخدر، تروریسم، فساد مالی و موضوع دفن زباله های هسته ای چالش هایی را در روابط میان کشورهای منطقه ایجاد کرده است.**

**آسیای مرکزی به لحاظ داشتن موقعیت جغرافیایی و منابع انرژی بعد از منطقه­ی خلیج فارس از مناطق حساس جهان در تحولات آینده ی بین المللی می باشد. این منطقه که در تلاقی سه قدرت ایران، ترکیه و روسیه قرار دارد بعد از حادثه ی 11 سپتامبر و تحولات افغانستان توجه ویژه ی کشورهای اروپایی و آمریکا را به خود جلب نموده است. (یزدان پناه، 1389،ص 70)**

**بازی قدرت در منطقه آسیای مرکزی با تعاملات قدرت بین چین، روسیه و آمریکا در حال تکوین است. امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران نیز بصورت اجتناب ناپذیری از تحولات این منطقه متأثر می باشد. در نتیجه عضویت ناظر ایران در سازمان و حتی ارتقاء نقش و مشارکت ایران در آن می تواند به عنوان پل ارتباطی جدیدی برای تنظیم مناسبات ایران با کشورهای آسیای مرکزی، روسیه و چین در ابعاد مختلف به ویژه امنیتی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. همچنین حضور پر رنگتر در سازمان همکاری شانگهای به عنوان فرصتی برای تثبیت نگاه به شرق، مورد توجه ایران قرار دارد. دورنمای مثبت سازمان و حضور سه محور چین – روسیه – کشورهای آسیای مرکزی در سازمان برای ایران در خور توجه می باشد. (سازمان همکاری شانگهای، 1388،ص 63)**

**با نگاه كلي به سازمان شانگهاي، آنچه براي ايران بيش از هر چيز اهميت مي يابد، استفاده از اين سازمان در جهت ايجاد و تحكيم ثبات در محيط امنيتي خويش است، زيرا محيط امنيتي ايران، همپوشي­­هاي بسياري با محيط امنيتي ساير اعضاي آن دارد.**

**جمهوری اسلامی ایران با این رویکرد که همکاری منطقه­ای راه برون رفت از چالش با قدرت­های فرامنطقه ای و ایجاد رشد و توسعه بر اساس ویژگی های خاص و بومی منطقه می باشد، در جهت تقویت و ارتقاء موقعیت سازمان اکو و پیوستن به سازمان همکاری شانگهای تلاش می کند. همچنین ایران به دلیل برخورداری از ویژگی­های منحصر به فرد خود در منطقه می تواند نقش تقویت کننده و مؤثری را درجهت تحقق اهداف سازمان های منطقه ای از جمله سازمان همکاری شانگهای ایفا نماید که بطور گذرا برخی از این ویژگی­ها عبارتند از:**

**1- پیوستگی جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی با آسیای مرکزی و سایر کشورهای عضو.**

**2- همسایگی و همجواری آبی با دو عضو مهم سازمان یعنی روسیه و قزاقستان.**

**3- دسترسی به دو حوزه­ی آبی خزر و خلیج فارس.**

**4- روابط خوب و روبه رشد دوجانبه و منطقه ای با تمامی اعضای ثابت و ناظر سازمان همکاری شانگهای.**

**5- برخورداری از مزیت­های نسبی انرژی و حمل و نقلی و امکان بهره گیری کشورهای عضو از قلمرو ایران برای انتقال کالا و انرژی به بازارهای جهانی.(انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 86)**

**2- هندوستان**

**جغرافیای هندوستان بسیار گسترده است و کوه و بیابان، دشت، تپه و فلات را شامل می شود و آب و هوای این کشور از آب و هوای حاره ای در مناطق جنوبی تا آب و هوای معتدل در شمال متغیر است. جمعیت هندوستان 1،095،000،000 نفر ، دومین کشور پر جمعیت در جهان است و یک ششم کل افراد جهان در این کشور قرار دارند. اقتصاد هندوستان، اقتصادی متنوع است و کشاورزی، صنایع دستی، نساجی، صنعت و گستره ی وسیعی از خدمات را در بر می گیرد. اقتصاد هندوستان با داشتن تولید ناخالص 3/611 (GDP ) تریلیون دلار، مقام چهارم را دارد.(یزدان پناه، 1389،ص 85)**

**در پی فروپاشی شوروی، کشور هند روابط سیاسی و بازرگانی خود را با جمهوری های تازه استقلال یافته تعریف نمود. تجارت با شبه قاره و فعالیت های تجار هندی، روابط اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی را متنوع ساخت. طی دهه اول بعد از فروپاشی، فعالیت هند در منطقه آسیای مرکزی در خور توجه بود.**

**با این وجود به نظر می رسد اساس مناسبات هند با منطقه آسیای مرکزی بر اساس مناسبات دهلی نو با اسلام آباد تنظیم گردیده است. هند تلاش دارد تا با ایجاد پیوند با منطقه آسیای مرکزی، عمق استراتژیک رقیب خود پاکستان را بهم زند. از طرف دیگر، هند نیز همچون چین ناچار است که تأثیر مسلمانان منطقه را مورد توجه قرار دهد. با توجه به مناسبات دو جانبه هند با کشورهای عضو سازمان، به نظر می رسد به دلیل فقدان اهمیت استراتژیک منطقه آسیای مرکزی در مقطع حاضر در سیاست خارجی آن کشور، تمایل هند برای احراز وضعیت عضو ناظر سازمان، صرفا در راستای مقابله دهلی نو با سیاست خارجی پاکستان و جلوگیری از نزدیکی بیشتر پاکستان به اعضای سازمان بخصوص چین و روسیه قابل تبیین باشد. در حال حاضر هند غیر فعال ترین عضو ناظر سازمان محسوب می شود.(سازمان همکاری شانگهای، 1388،ص 61)**

**هند اهداف زیر را برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای دنبال می کند:**

**1- تأکید بر ضرورت همکاری منطقه ای و همکاری در حوزه های گوناگون اقتصادی از جمله توسعه تجارت و انرژی.**

**2- همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم.**

**در این میان عامل انرژی محور مهمی در تعیین رویکردهای سیاست خارجی هند به شمار می رود. البته برخی نیز بر این باورند که هندی­ها با رویکردی فرصت طلبانه به تعامل با سازمان می نگرند و در این چارچوب تلاش دارند تا با بزرگنمایی پیوستن خود به سازمان، از امریکا امتیازات لازم را اخذ کنند. اگرچه رقابت منطقه ای بین هند و پاکستان برای عضویت در تشکل­های منطقه­ای، خود یکی از انگیزه­های پیوستن این کشور به سازمان می باشد. (انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 88)**

**3- پاکستان**

**از زمان تأسیس پاکستان در سال 1947، این کشور همواره به دلیل جنگ با همسایگانش، خشونت های داخلی همیشگی، فقر، سیل،خشکسالی، اقتصاد بی ثبات، جمعیت زیاد و ارتشا گرفتار بحران بوده است. جمعیت این کشور از مرز 150 میلیون نفر گذشته، و میزان رشد جمعیت در این کشور زیاد است.**

**ژئوپولیتیک پاکستان در حال حاضر، متأثر از عوامل مختلف داخلی و خارجی است که بر گرفته از پیشینه­ی قوی تاریخی این کشور است. پاکستان مهد کهن ترین تمدن آسیایی است و یکی از قدیمی ترین تمدن ها را دارد. اما با این پیشینه ی تاریخی فرهنگ حاکم بر این کشور به ویژه در حوزه­ی سیاسی نقش تعیین کننده ای در سرنوشت ژئوپولیتیکی و رفتار استراتژیکی پاکستان داشته است. استدلال­های محکم و مبسوطی را می توان در مورد تحلیل سیاست خارجی پاکستان در عصر حاضر ارائه نمود که عمده ی آن ها عبارتند از:**

**1. چالش های عمیق ژئوپولیتیکی و سنتی با هندوستان.**

**2. چالش بزرگ قومیتی در مناطق چهارگانه ی پاکستان.**

**3. اختلافات قومی و مذهبی فاحش و چالش بر انگیز.**

**4. افراطی گری و وجود ظرفیت های فراوان تروریستی.**

**5. فاصله ی زیاد میان بدنه ی حکومتی با بدنه ی مردمی.**

**بافت امنیتی حاکم بر فضای جغرافیایی پاکستان نیز یکی دیگر از ویژگی های ژئوپولیتیکی این کشور است که مورد توجه منطقه ای و جهانی و همسایگان آن از جمله ایران، افغانستان و هندوستان است. در حال حاضر، پاکستان یکی از ناامن ترین کشورهای جهان به شمار می آید. قوت ژئوپولیتیکی این کشور نیز توان نظامی از جمله بازوی هسته ای و اتمی می باشد. (یزدان پناه، 1389،ص 102)**

**علل اصلی علاقه پاکستان به پیوستن به سازمان همکاری شانگهای را می توان بدین شرح عنوان داشت:**

**- عدم اعتماد به هند: پاکستان و هند از زمان استقلال آن کشور در سال 1947 تا به حال سه بار با هم جنگیده اند. عضویت در سازمان می تواند از یک طرف در جهت تحکیم روابط با چین و روسیه به عنوان دو قدرت مطرح منطقه و از طرف دیگر تلاش اسلام آباد برای منزوی ساختن دهلی نو در منطقه مد نظر قرار گیرد.**

**- با این عمل اسلام آباد می خواهد تا همکاری اعضای این گروه را به خود جلب کند و با کشورهای همسایه خود روابط نزدیکی ایجاد کند.**

**- با افزایش تعاملات منطقه، اعتبار بین المللی پاکستان را ارتقا بخشد.**

**- چنین حرکتی می تواند به عنوان علامتی برای تعدیل سیاست های پاکستان در قبال آمریکا و کشورهای غربی و نزدیکتر شدن بیشتر به شرق تعبیر گردد. (سازمان همکاری شانگهای، 1388،ص 61)**

**رویکردهای اصلی پاکستان را می توان چنین برشمرد:**

**- تلاش برای مشارکت در گسترش صلح و امنیت جهانی و در این راه برتری دادن به اتفاق نظر و اتخاذ تصمیمات صلح جویانه در حل اختلافات با هند و نیز ایجاد زمینه دوستی با افغانستان و دیگر همسایگان.**

**- تأکید بر تمرکز سازمان پیرامون همکاری در زمینه های ایمنی انرژی، بانکی، بخش خصوصی.**

**- گسترش و تقویت شبکه حمل و نقلی.**

**- انگیزه­ی عقب نماندن از هند در تعاملات منطقه­ای.**

**- تأکید بر تعاون مسلمانان با جامعه بین المللی. (انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 89)**

**4- مغولستان**

**مغولستان کشوری است در مرکز آسیا، پایتخت آن اولان باطور است. مساحت مغولستان 1،565،000 کیلومتر مربع ، جمعیت آن 2،095،000 نفر و رشد سالانه ی جمعیت آن 8/2 درصد است.**

**این کشور از واپسمانده ترین کشور های جهان است و فرهنگ مردم آن از روزگار کهن تا به امروز تغییر چندانی نیافته است.(یزدان پناه، 1389،ص 103)**

**مغولستان اولین کشوری بود که رسما به عنوان عضو ناظر سازمان پذیرفته شد. شاید موقعیت جغرافیایی این کشور و واقع شده بین دو قدرت اصلی سازمان یعنی چین و روسیه عامل اصلی پذیرش سریع عضویت ناظر مغولستان بوده است. ولی با توجه به توانایی­ها و ظرفیت­های سیاسی، اقتصادی، نظامی و . . . آن کشور جایگاه و نقش چندان موثری نمی تواند در مناسبات سازمان داشته باشد. از سوی دیگر، مناسبات مغولستان با کشور های آسیای مرکزی نیز تعریف شده و محدود می باشد.**

**در حال حاضر اساس مناسبات خارجی مغولستان بر همکاری­های اقتصادی آن کشور با روسیه و چین استوار است. در عین حال طی دهه گذشته برقراری و توسعه مناسبات با غرب به ویژه ایالات متحده، به عنوان عامل و اهرمی برای کاهش نفوذ و استیلای همسایه شمالی و جنوبی مورد توجه مقامات اولان باطور قرار گرفته است. (سازمان همکاری شانگهای، 1388،ص 62)**

**تلاش برای رفع فقر عمومی و تغییر شرایط اقتصادی و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، انگیزه اصلی این کشور در گرایش به سازمان همکاری شانگهای را تشکیل می دهد، بویژه این که همه­ی همسایگان این کشور عضو سازمان می باشند و موقعیت منطقه ای نیز ایجاب می کند این کشور به سازمان پیوندد. بر این اساس اولویت های مغولستان را می توان به شرح زیر مطرح نمود:**

**- تمایل به تقویت همکاری­ها با اهمیت دادن به حوزه­ی اقتصادی و بازرگانی.**

**- تأکید بر ضرورت فعالیت سازمان در زمینه­ی فراهم آوردن زمینه های شرکت مؤثر منطقه­ای با اقتصاد همگرا.**

**- تمایل به مشارکت مؤثرتر در پروژه­های اقتصادی.**

**- تمایل به همکاری نزدیک در زمینه­ صلح و ثبات منطقه­ای.(انوری و رحمانی موحد،1388،ص 89)**

**چالشها و مشکلات سازمان همکاری شانگهای**

**سازمان همکاری شانگهای چالش­های گوناگونی را در پیش روی دارد که می توان آنها را در دو دسته منطقه­ای و فرامنطقه­ای تقسیم بندی نمود. چنین به نظر می رسد که مهمترین چالش پیش روی سازمان همکاری شانگهای در سطح فرامنطقه­ای و بین المللی ماهیتی سیاسی و امنیتی دارد که از سوی بازیگران عمده نظام بین الملل اعم از کشورها و یا دیگر سازمان­ها و پیمان­های مشابه متوجه آن است. کشورهای اروپای غربی در کنار ایالات متحده امریکا در زمره بازیگرانی هستند که به دلایل متعددی بیشترین ناخرسندی را از تشکیل این سازمان و تحکیم موقعیت آن خواهند داشت. در کنار این دولت­ها، سازمان­ها و پیمان­هایی نظیر اتحادیه اروپا، سازمان همکاری و امنیت در اروپا و نیز ناتو به دلایلی که ریشه در فلسفه وجودی، کارکردهای تعریف شده و ساختار تشکیلاتی آنها دارد سازمان شانگهای را یک رقیب جدی ارزیابی کرده و به چالش خواهند گرفت. درخصوص چالش­های منطقه­ای و درونی که می تواند کارآیی و موقعیت سازمان همکاری شانگهای را زیر سؤال برده و در سایه­ای از ابهام قرار دهد می توان به مواردی نظیر سابقه ناامید کننده تاریخی و تجربه ناموفق همگرایی در منطقه، رقابت میان پکن و مسکو برای ایفای نقش برتر در سازمان، اهداف و اولویت­های متفاوت و بعضا متعارض برخی از اعضا، و نیز فقدان و ناکارآمدی سیستم­ها و زیر ساخت­های مورد نیاز برای شکل گیری یک سازمان و پیمان منطقه­ای فعال و پویا در کشورهای عضو اشاره کرد.(خانی،1385،ص 43)**

**نگرانی و چالش­های پیش روی سازمان شانگهای در سه ناحیه­ی جغرافیایی حوزه­ی سیاسی این سازمان و به سه شکل مختلف وجود دارد:**

**اول: نقشه سیاسی مبهم اوراسیا دارای طبعاتی است که دامنه­ی آن به مناطق پیرامونی از جمله آسیای مرکزی و مرزهای شرق آسیا نیز گسترده شده است.**

**دوم: حوزه­ی جنوب و جنوب غربی آسیا دو منطقه­ای که قدرت­های جهان بیش از پنج قرن است که در تقسیمات فضای جغرافیایی آن­ها نقش مهمی داشته اند و در دوران­های مختلف با تغییر هدف­های استراتژیک قدرت­های جهان دچار تحول شده­اند و هم اکنون مهم­ترین کشورهای آن در قالب ناظر عضو سازمان شانگهای هستند.**

**سوم: چین و روسیه است. اگر چه در حال حاضر، چین و روسیه دو قطب برجسته­ی جهانی محسوب می شوند، اما این دو کشور نیز هم در حوزه­ی داخلی و هم در حوزه­ی خارجی با چالش­های اساسی روبرو هستند.**

**این سه عامل از چالش­های اساسی اتحادیه­ی شانگهای بوده که وضعیت ژئواستراتژیکی سازمان شانگهای را ویژه کرده است. (یزدان پناه، 1389،ص 222)**

**اهداف خاص هر یک از اعضای شانگهای در پیوستن به این سازمان، مشکلات ساختاری این کشورها در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی، اختلافات نهان و آشکار دولت­های عضو، تفرقه افکنی­های غرب در مسیر همگرایی اعضا، و مهمتر از همه، وابستگی اغلب این اعضا به دولت­های غربی به طور عام و ایالات متحده به طور خاص، هریک عاملی مهم و مؤثر در کاهش انگیزه­ها و ظرفیت های سازمان همکاری شانگهای می باشد.(یزدانی و تویسرکانی، 1386،ص 61)**

**یکی از چالش­های مهم به باور برخی صاحبنظران، سازمان همکاری شانگهای در اثر رقابت­های چین و روسیه برای دسترسی به منابع آسیای مرکزی در حال دو قطبی شدن است. همچنین تنش­های تاریخی بین اعضا؛ نظیر تنش­های قومی، مذهبی و سیاسی بین هند و پاکستان، اختلاف نظر ازبکستان و قزاقستان در تعریف مصادیق تروریسم و اختلاف مرزی بین ازبکستان با قرقیزستان و تاجیکستان از چالش­های بین دولتی و حتی قومی در بین کشورهای عضو است.(انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 48)**

**آسیای مرکزی در سال‌های اخیر به صحنه رقابت تنگاتنگ مسکو از یک سو و پکن از دیگر سو تبدیل شده است؛ چینی ها در این ناحیه استراتژیک برای کسب منابع جدید انرژی و فروش کالا و خدمات ارزان خود در تلاشند و روس‌ها برای حفظ نفوذ سنتی خود و عقب راندن این میهمان تازه وارد می کوشند.**

**از چالش­های دیگر در سازمان شانگهای نیز می توان به تفاوت­های ژئواکونومیک، تنوع سیاسی و فرهنگی بین اعضای سازمان، چالش با دولت­ها و نهادهای غربی و اختلاف نظر در خصوص حضور نیروهای ناتو و غرب در قلمرو کشورهای عضو سازمان، نام برد. (انوری و رحمانی موحد، 1388،ص 50)**

**محیط ژئوپلیتیکی شانگهای دارای عوارض شدید جغرافیایی است که نفوذ و فعالیت عواملی همچون تروریست های حرفه­ای، افراط گرایی­های قومی و مذهبی، و وجود شوم و افیونی مواد مخدر می تواند هر آن، به ساختار بنیادی و هدف­های اساسی شانگهای لطمه بزند و شانگهای را در مسیر موفقیت با تردیدهای جدی مواجه سازد.(یزدان پناه، 1389،ص 127)**

**موانع توسعه سازمان شانگهای را می توان چنین دسته بندی نمود:**

**- وجود رقابت بین روسیه و چین .**

**- سیاست های خارجی چند جانبه در کشورهای آسیای مرکزی.**

**- دو لت­های ناپایدار در کشورهای آسیای مرکزی.**

**- وجود سازمان­ها و پیمان­های متعدد در آسیای مرکزی که نوعی تداخل وظایف را بوجود آورده­اند.**

**- تناقضات در روابط بین کشورهای آسیای مرکزی.**

**- مسایل و مشکلات در روابط اقتصادی.**

**- مشکلات ناشی از توسعه سازمان همکاری شانگهای.**

**- فشارها و موانع خارجی .**

**نبود مدلی قابل قبول برای رهبری این سازمان یکی دیگر از چالشهای سازمان همکاری شانگهای است. برای آن‌ که یک سازمان بتواند به همکاری‌های سودمند در بلند مدت دست یابد باید به مدلی برای رهبری جمعی و یا پذیرش رهبری یک کشور توافق همگانی به وجود آید. در این صورت است که می‌توان انتظار داشت منافع مشترک بین اعضا شکل گیرند و در نهایت اهداف سازمانی تعییین شده قابل دسترسی شوند.**

**منابع**

**1- یزدان پناه درو، کیومرث،1389، اتحادیه ی شانگهای چشم اندازها ، بیم ها و امیدها، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.**

**2- سازمان همکاری شانگهای، 1388، انتشارات وزارت خارجه، تهران.**

**3- انوری، حمیدرضا – رحمانی موحد، مرتضی،1388، سازمان همکاری شانگهای؛چشم اندازی به سوی جهان چند قطبی ، انتشارات وزارت خارجه، تهران.**

**4- کولایی، الهه، 1385، سازمان شانگهای و امنیت آسیای مرکزی ، پژوهش علوم سیاسی ، شماره سوم.**

**5-** [**http://fa.wikipedia.org**](http://fa.wikipedia.org)

**6-** [**http://www.mapsofworld.com**](http://www.mapsofworld.com)

**7-** [**www.dushanbe.icro.ir**](http://www.dushanbe.icro.ir)

**8-** [**http://strategicreview.org**](http://strategicreview.org)

**9-** [**http://www.starsgrouptravel.com**](http://www.starsgrouptravel.com)

1. http://fa.wikipedia.org [↑](#footnote-ref-1)
2. http://fa.wikipedia.org [↑](#footnote-ref-2)
3. http://fa.wikipedia.org [↑](#footnote-ref-3)
4. http://fa.wikipedia.org [↑](#footnote-ref-4)
5. http://fa.wikipedia.org [↑](#footnote-ref-5)
6. http://fa.wikipedia.org [↑](#footnote-ref-6)